

قرآن و همگرایی بین مذاهب اسلامی

رحمت‌الله ضیائی آرژگانی

چکیده

در قرآن کریم که مهمترین محور وحدت مسلمانان از فرقه‌ها و مذاهب مختلف است، کلمات و اصطلاحاتی مانند «اخوت»، «اعتصام به حبل‌الله»، «امت واحده»، «مهربانی نسبت به همدیگر» و «عدم تنازع» به کار رفته است که همه این مفاهیم و مشابه آنها به طور مستقیم بر اهمیت، جایگاه و نقش برجسته همگرایی و دوری از واگرایی در جامعه اسلامی دلالت دارند. قرآن کریم با توصیه به اعتصام به حبل‌الله و نهی از تفرقه، به الفت و برادری و مودت میان دو طایفه اوس و خزرج و از بین رفتن عداوت و کینه دیرینه در سایه نعمت اسلام که مبنای اتحاد و همبستگی آنهاست، اشاره می‌کند و درس بزرگی به مسلمانان می‌دهد که برای رسیدن به عزت و اقتدار، راهی جز وحدت و همدلی بین همه گروه‌های اسلامی وجود ندارد. بنابراین این مسأله می‌تواند راهبردی اساسی برای مسلمانان باشد که جز به وحدت و همدلی نیندیشند و از تفرقه و اختلاف خانمان‌سوز به طور جدی پرهیز کنند.

واژگان کلیدی: همگرایی، واگرایی، وحدت، حبل‌الله، مسلمانان، مذاهب اسلامی.

امر حق را حجت و دعوی یکی است

خیمه‌های ما جدا، دل‌ها یکی است

از حجاز و چین و ایرانیم ما

شب‌نم یک صبح خندانیم ما

(دیوان اقبال لاهوری)

همگرایی بین امت اسلامی از مسائل پر اهمیتی است که در قرآن به مناسبت‌های گوناگون به آن تأکید شده و خداوند متعال، همه پیامبران خود را به آن توصیه و سفارش نموده و از واگرایی و اختلاف، آنان را بر حذر داشته است به عنوان نمونه در این کتاب آسمانی آمده است:

«... شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا...»

«خداوند، شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی، هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز اختلاف و تفرقه در دین نکنید.» (شوری، ۱۳).

قرآن کریم نه تنها همه مسلمانان را حول یک محور فرا می‌خواند، بلکه همه موحدان عالم را به اتحاد دعوت می‌کند؛ چنان‌که می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»

«بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما، بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم، نه شما.» (آل عمران، ۶۴)

بدیهی است آنچه که امروز بیشتر از همه چیز مورد نیاز جامعه اسلامی است، همگرایی بین پیروان مذاهب اسلامی است که متأسفانه بر اثر عوامل مختلف و عدم توجه به محورهای وحدت‌آفرین جهان اسلام به سویی در حال حرکت است که اگر هشدارهای لازم به آن داده نشود، به سان کشتی طوفان‌زده‌ای خواهد شد که هر لحظه امکان تصادم آن به صخره‌های هولناک و فروپاشی آن وجود دارد. بنابراین تنها راه در چنین شرایطی، رجوع به

قرآن کریم به عنوان میثاق همه مسلمانان با گرایش‌های گوناگون است تا مشخص شود که قرآن در این شرایط حساس، به مسلمانان چه پیامی دارد و راه خلاص از اختلافات را چه چیزی می‌داند؟ آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در آنها، به مسأله همگرایی امت اسلامی اشاره شده و برای ایجاد یگانگی در میان امت اسلامی، راهکارهای گوناگونی ارائه شده است. با این توضیح می‌توان گفت که دین اسلام با تنوع‌پذیری بسیار و برخورداری از جاذبه‌های انسانی و جهانی - و نه صرفاً قومی و نژادی - زمینه مناسبی برای ایجاد همگرایی در میان پیروان خویش دارد.

آیه اعتصام

از مشهورترین آیات درباره وحدت و همگرایی بین امت اسلامی، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

«و جملگی به رشته دین خدا چنگ زده، به راه‌های متفرق نروید و بیاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و همه به لطف خدا برادر دینی یکدیگر شدید؛ در صورتی که در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد، باری بدین مرتبه وضوح و بدین پایه کمال، خداوند آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می‌کند، باشد که به مقام سعادت هدایت شوید.»

در این آیه، خداوند تبارک و تعالی به مسلمانان امر نموده است که اختلاف نکنند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۳۱۱) و همه به حبل‌اللهی چنگ زنند. حبل در لغت، عبارت از شیء ممتد طولی است که وسیله رسیدن به مقصد یا جهت بستن و محکم کردن به کار می‌رود که هم مصادیق مادی دارد و هم معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۲: ۱۷۱). مقصود از «حبل‌الله»، نیز قرآن کریم است (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۲۶۲؛ بیضاوی ۶۸۵ق، ج ۲: ۳۱) که همه پیروان مذاهب اسلامی باید به آن چنگ زنند و از آن جهت به قرآن کریم «حبل‌الله» گفته شده که یک طرف آن به دست خدا و طرف دیگر، در میان بندگان او آویخته شده است (سمعانی ۴۸۹ق: ۳۴۵) تا با گرفتن آن، بالا بروند؛ زیرا تنزیل

قرآن، همانند فرو فرستادن باران نیست که از قبیل انداختن باشد، بلکه از سنخ تجلی است که از بالا به پایین آویختن است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۲: ۲۰۸).

درباره واژه «إخواناً»، از دیدگاه بعضی «وخو» که به معنای قصد و سیر است با اخ (برادر) در اشتقاق اکبر مشترک است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱: ۳۷) و بنابراین می‌توان گفت کلمه «أخ» با «توخی» یعنی طلب کردن هم معناست. از آن‌جا که هر یک از برادران، همان چیزی را می‌طلبند و مقصد قرار می‌دهد که برادر دیگر در پی آن است، او را «أخ» می‌گویند. پس «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»، یعنی همه شما هماهنگ هستید و مقصد یکدیگر را طلب، تأیید و تقویت می‌کنید. همان‌گونه که در جاهلیت مردم دشمن همدیگر بودند، در اسلام برادر هم هستند (ابن بشیر، ۱۴۲۳ق: ۲۹۳). از کاربردهای قرآن استفاده می‌شود که واژه «اخوان» هنگامی به کار می‌رود که دوستی و الفت برادران کامل باشد، بر خلاف واژه «إخوة» که برای مراحل ابتدایی برادری به کار رود (همان: ۳۶-۳۷). «شفا» نیز به معنای کناره و لبه هر شیء است (القرطوبی الرازی، ۱۳۹۹ق، ج ۳: ۱۹۹). «شفا البئر و غیرها» لبه و دهانه چاه است. این واژه، ضرب‌المثلی برای در شرف هلاکت بودن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۵۹).

این آیه درباره دو طایفه اوس و خزرج نازل شده که صد سال در میان آن‌ها نزاع و کشمکش بود تا این‌که خداوند، پیامبر اسلام (ص) را به ظهور رسانید و آنان، به دین اسلام گرویدند و از برکت آن، کینه و دشمنی از میان آنان رخت بریست و با هم برادر شدند (السیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۷؛ طبری ۱۴۲۰ق، ج ۷: ۷۶).

در این آیه، خداوند به همه مسلمانان از گرایش‌های گوناگون دستور به اتحاد و همگرایی می‌دهد (نسفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۲۸۰). از کلمه «جَمِيعًا» که در آیه به کار رفته است نیز استفاده می‌شود که «وَأَعْتَصِمُوا» به معنای اعتصام هر یک از افراد به تنهایی به حبل‌الهی نیست، بلکه هیأت اجتماعی و یکپارچگی در اعتصام مراد است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، در این زمینه خطاب به حاضران فرمود:

«قرآن می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ اعتصام به حبل‌الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به این‌که ما را به اعتصام به حبل‌الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل‌الله را در هیأت اجتماع انجام بدهید؛ «جَمِيعًا»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر این که مسلمان باید

معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان‌ها و همدست با آنها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره، ۲۵۶). این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا می‌کند. تمسک به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۳۰)

آموزه اعتصام به ربسمان الهی، بسیار مهم و اساسی است و در شرایط فعلی جهان اسلام می‌تواند به عنوان یک راهبرد مطرح گردد و برای خلاصی امت اسلامی از سقوط در پرتگاه هلاکت از آن استفاده شود، زیرا هیچ مسیری مطمئنی برای رهایی و رسیدن به عزت و سرافرازی برای مسلمین جز حبل الهی وجود ندارد. در این زمینه هم در قرآن آمده است:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»

«هر که خواهان عزت است، بداند که عزت، همگی از آن خداست. سخن خوش و پاک به

سوی او بالا می‌رود و کردار نیک است که آن را بالا می‌برد.» (فاطر، ۱۰)

بدیهی است که انسان برای صعود، به جای رفیع به حبل احتیاج دارد و تنها حبل الهی است که به نحو اطمینان‌بخشی، جوامع اسلامی را از گرفتاری‌ها و چالش‌های پیش‌رو نجات خواهد داد و «واعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» در قرآن، پاسخی به نیاز اساسی و بنیادی امت اسلامی است و راه را برای صعود جمعی آنان فراهم می‌آورد. البته دست‌های پیدا و پنهانی زیادی وجود دارند که امت اسلامی را از حبل الهی دور نمایند و می‌کوشند که به جای آن، رشته‌های باریک و غیرمطمئنی را جایگزین نمایند که قابل اعتصام نباشد؛ ولی قرآن کریم با بیان رسا و گویا به امت اسلامی یادآوری نموده است که تنها راه رسیدن به موفقیت، جز تمسک به حبل الهی یعنی قرآن کریم نیست و این قرآن است که در همه زمان‌ها و همه دشواری‌ها، پاسخگویی اطمینان‌بخش به نیازهای امت اسلامی، به خصوص در شرایط بحرانی مانند امروز است.

امت واحده

آیه دیگری که به طور صریح از وحدت امت مسلمان سخن می‌گوید، آیه ۹۷ سوره انبیاء است:

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»

همانا این امت شما، امت واحده است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید»

پیام روشن این آیه، این است که جامعه‌ای که اعضای آن به دین الهی و ملت واحدی روی آورند و ذات حق را پروردگار خویش قرار دهند، امت یکپارچه‌ای هستند؛ زیرا ملت واحد و مکتب یکتا، پیروان خود را منسجم و هماهنگ می‌کند. اگر فرقه‌های اسلامی به این آیه مبارکه توجه نمایند و پیام آن را به خوبی دریابند، هیچ اختلاف خانمان‌سوزی دامن‌گیر آنان نخواهد شد. بدیهی است که امت با وصف واحد با اختلاف و تنازع قابل جمع نخواهد نیست و از این‌رو، کسانی که خود را ملتزم به آموزه‌های دین اسلام می‌دانند، هیچ‌گاه به خود اجازه نمی‌دهند که به طبل اختلاف و واگرایی بین امت اسلامی بکوبند. زیرا کمک به ایجاد اختلاف در تقابل با اراده خداوند است که وحدت همگرایی را از مسلمانان خواسته است و می‌توان گفت اساس این وحدت را قرآن نهاده است. قرآن مجید بارها مسلمانان را به عنوان یک امت مخاطب ساخته است که در این رابطه می‌توان به این آیات اشاره نمود: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...» (آل عمران، ۱۱۰)، «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره، ۱۴۳). دین اسلام در موارد زیادی، اخوت ایمانی را به عنوان علت و انگیزه‌ای بر وحدت و اتحاد معرفی نموده و بر اساس آن، به همکاری و یاری‌رساندن به مؤمنان سفارش می‌نماید. قرآن مجید در این رابطه می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ...»

«مؤمنان با هم برادرند پس بین برادران خود صلح برقرار سازید» (حجرات، ۱۰)

مهربانی نسبت به همدیگر

خداوند تبارک و تعالی در سوره فتح از کسانی که با پیامبر(ص) همراهی نمودند، به گونه‌ای یاد می‌کند که دقت در آن می‌تواند نقشه راه همه مسلمانان در همه زمان‌ها باشد:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...»

«محمد(ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید،

و در میان خود مهربانند.» (فتح، ۲۹)

در این آیه آمده است که از ویژگی‌های شخصیتی پیروان پیغمبر آخرالزمان دو چیز است و آنان دو نوع عاطفه مثبت و منفی دارند: عاطفه مثبت، نسبت به خودی‌ها و عاطفه منفی، نسبت به بیگانگان و دشمنان (ابن کثیر ۷۷۴ق، ج ۷: ۳۶۰). این آیه، ابتدا رابطه امت پیامبر(ص) را نسبت به دشمنان ذکر می‌کند و این خود نکته عجیبی است و این سبک و سیاق کمتر دیده می‌شود. اولین وصفی که می‌آورد این است که: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ: در برابر دشمنان اسلام خیلی سرسخت و انعطاف‌ناپذیرند.» ویژگی دوم این است که: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ: در میان خودی‌ها بسیار با هم مهربان‌اند؛» اینان نسبت به پیروان اسلام، عواطفی مثبت و در حد بسیار بالا دارند؛ اما درباره دشمنان، خیلی سرسخت و مقاوم هستند و در برابر آن‌ها هیچ انعطافی نشان نمی‌دهند. همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

«وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

«و بین دل‌های مؤمنین الفت برقرار کرد. ای پیغمبر! اگر تمام اموال روی زمین را صرف می‌کردی و با برنامه‌ریزی، این اموال را به کسانی می‌بخشیدی تا الفت بین مؤمنین برقرار شود، چنین کاری از تو بر نمی‌آمد. خداست که بین دل‌های مؤمنان محبت و الفت برقرار می‌کند و او عزیز و حکیم است.» (انفال، ۶۳)

خداوند در این آیه، خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید که اگر همه اموال روی زمین و همه ثروت‌ها در اختیار تو بود و تو همه را هزینه می‌کردی تا این مردم با هم مهربان باشند، چنین کاری از تو بر نمی‌آمد. این نعمت و این الفتی که بین مؤمنین برقرار شد باعث شد که تو به کمک این مؤمنان، بر دشمنانت پیروز شوی. این نصرت، نعمت خداست؛ ولی وسیله‌اش مؤمنین بودند و راه و ابزارش هم این بود که خداوند، دل‌های آن‌ها را با هم مهربان کرد.

باید بررسی نمود «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» شامل چه کسانی می‌شود. به عبارت دیگر، باید بررسی کرد که ضمیر «هُم» در «بَيْنَهُمْ»، چه کسانی هستند. وقتی می‌گوییم: «این‌ها در بین خودشان با هم مهربان‌اند»؛ مقصود از خودی، چه کسی است؟ حد متیقن از خودی، کسانی هستند که اگر واقعاً بفهمند که پیامبر اسلام(ص) از طرف خدا امری را فرموده است، صددرصد می‌پذیرند، اما در حال حاضر تنها به آن چیزی که معتقدند، عمل می‌کنند. اگر از این

افراد سؤال شود: «اگر بفهمید که این اعتقاد شما اشتباه است و در واقع پیغمبر چیز دیگری فرموده است کدامش را قبول می‌کنید؟» می‌گویند: «ما فعلاً این عقیده را داریم، اما اگر بفهمیم که پیامبر اسلام(ص) چیز دیگری فرموده است قبول می‌کنیم و ما عنادی نداریم.» این حد نصاب ایمان است.

عدم تنازع

آیه دیگری که بعد از امر به اطاعت خداوند و پیامبر(ص)، مسلمانان را از اختلاف نهی می‌کند، آیه ۴۶ سوره انفال است:

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...»

«و خدا و رسولش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید، (که در صورت نزاع و درگیری،

شکست خواهید خورد و عزت شما از بین خواهد رفت»

در این آیه، «فشل» با «فاء» تفریع آمده است که ریشه آن، نزاعی است که سستی می‌آورد و در حقیقت، نوعی اتحاد در تنازع را می‌رساند؛ بدین‌گونه که دو طرف کشمکش از این جهت متحدند که با صرف نیروی خود، قدرت طرف مقابل را در هم بشکنند و این اتحاد اثر می‌بخشد؛ زیرا هر یک از آن دو، بخشی از توان خود را برای از بین بردن دیگری هدر می‌دهد، در نتیجه هر دو از نیروی خود و از توان دیگری می‌کاهند و این نوعی اتحاد در نابود کردن قدرت و شوکت همدیگر است. علامه طباطبایی «فَتَفْشَلُوا» را منصوب به «أَنْ مَقْدَرَهُ» دانسته و «ریح» را به معنای عزت و دولت دانسته است که به طور استعاره برای غلبه آمده است؛ به دلیل آن‌که باد به هر چه بوزد، آن را به حرکت در می‌آورد و از جای می‌کند و غلبه دشمن هم، همین‌طور است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۹: ۱۲۶).

قانون اخوت

تشریح یا وضع قانون برادری، یکی از برجسته‌ترین اقدامات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی دین اسلام است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ...»

«مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید» (حجرات، ۱۰)

مفهوم اخوت، یکی از مفاهیم قرآنی است که از ابتدای تشکیل حکومت پیامبر(ص) به طور ویژه مورد تأکید بوده است. شخصیت‌های بزرگ و علمی جهان اسلام از مذاهب مختلف تلاش نمودند که با بیان خویش توجه

مسلمانان به این اصل اساسی جلب نمایند تا همه پیروان مذاهب به جای واگرایی به همگرایی رسیده و از ثمرات آن در بخش‌های مختلف استفاده ببرند. در این راستا، امام خمینی با استناد به آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، تلاش داشت روابط دولت‌های اسلامی را ارتقا دهد و با ایجاد روابط همراه با برادری، قدرت امت اسلامی را به آنها بازگرداند. ایشان در این رابطه می‌فرماید:

«یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام(س)، علاوه بر آن‌که خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خرابی مدینه فاضله است. این مقصد بزرگ که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد؛ مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد هم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری، و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی‌آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص باشد و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها، حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند. اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند. چنان‌چه از مراجعه به تواریخ، خصوصاً تاریخ جنگ‌های اسلام و فتوحات عظیمه آن، مطلب خوب روشن می‌شود که در اوایل طلوع این قانون الهی، چون شمه‌ای از این اتحاد و وحدت در بین مسلمانان بوده و مساعی آنها مشفوع به تخلیص نیات نوعاً بوده است، در مدت کمی چه فتوحات بزرگی کردند و در اندک زمانی به سلطنت‌های بزرگ آن زمان، که عمده آن ایران و روم بوده، غلبه کردند و با عده کم بر لشکرهای گران و جمعیت‌های بی‌پایان غالب شدند. پیغمبر اسلام عقد اخوت بین مسلمانان را در صدر اول اجرا فرمود و به نص «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، اخوت بین تمام مؤمنان برقرار شد» (خمینی، ۱۳۷۳ش: ۳۰۹-۳۱۱)

عذاب عظیم

خداوند تبارک و تعالی به مسلمانان هشدار می‌دهد که از تفرقه و اختلاف دوری گزینند و در غیر این صورت، گرفتار عذاب عظیم خواهید گردید:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛

«و شما مسلمانان، مانند مللی نباشید که پس از آن که آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد، راه

تفرقه و اختلاف پیمودند که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود.» (انبیا، ۹۲)

در این آیه، خداوند مسلمانان را از این که همانند ملت‌هایی باشند که پس از آمدن آیات، ادله و بینات راه تفرقه

و اختلاف پیمودند، نهی می‌کند و آنان را به عذابی سخت نهیب می‌زند.

رأفت مسلمانان

رأفت به معنای رحمت و برتر و شدیدتر از رحمت است؛ چرا که رحمت ممکن است از روی کراهت باشد،

ولی رأفت چنین نیست؛ بلکه با رضایت قلبی است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۸۲). بدون شک رأفت مسلمانان به

یکدیگر، در اتحاد و همدلی آنان نقش به‌سزایی دارد. قرآن کریم درباره اصحاب حضرت عیسی (ع) می‌فرماید:

«وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً»

«و در دل کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت قرار دادیم.» (حدید، ۲۷)

علامه طباطبایی در این زمینه معتقد است که در مورد اصحاب پیامبر (ص) نیز قضیه چنین است، چون خداوند

درباره‌شان می‌فرماید: «رحماء بینهم» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹: ۷۳)

با مطالعه‌ای اجمالی و تفکر در برخی آیات قرآن مجید، به نمونه‌های فراوانی از رأفت و رحمت اسلامی در

این کتاب آسمانی دست می‌یابیم که به عنوان اصل اساسی معرفی شده است. در قرآن مجید، یکصد و چهارده

سوره وجود دارد، که یکصد و سیزده سوره آن با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که پیام‌آور رأفت، رحمت و محبت

اسلامی می‌باشد، شروع شده است. همچنین خداوند در سوره الرحمن می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا

الْإِحْسَانُ؛ آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!» (رحمن، ۶۰) این آیه شریفه که سرشار از محبت، رحمت و دوستی

است، به عنوان یک شعار اسلامی برای ما مسلمانان باید باشد. زیرا خداوند متعال نه تنها پاسخ نیکی را رفتار

نیکی می‌داند، بلکه به مسلمانان نیز دستور می‌دهد در مقابل بدی‌ها نیز به نیکی رفتار کنند، و پاسخ بدی را هم به

نیکی بدهند:

«إِذْ دَفَعُ بِلِئْتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ»

بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده)؛ ما به آنچه توصیف می‌کنند،

آگاه‌تریم.» (مومنون، ۹۶)

عفو و بخشش

یکی از فضایل اخلاقی که در همگرایی و اتحاد بین مسلمانان کمک و تأثیرگذار خواهد بود، عفو و گذشت انسان از حقوق خود است. عفو از مصادیق احسان است و در اخلاق، بر احسان به دیگری تأکید بسیار شده و آموزه‌های قرآنی نیز بر این خصوصیت و فضیلت تشویق و ترغیب شده است. با نگاهی به آموزه‌های قرآنی معلوم می‌شود که عفو و گذشت، بیش از به مقابله به مثل مورد پسند خداوند است:

«وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ»؛

و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر

شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است» (نحل، ۱۲۶)

فضل

فضل در لغت به معنای زیاده و نیز به معنای خیر می‌آید و افضال یعنی احسان و نیکی کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۹). قرآن کریم در تشویق مسلمانان به فضل و نیکی کردن به یکدیگر می‌فرماید:

«وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!» (بقره،

۲۳۷)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه فرموده است: «کلمه «فضل» مانند کلمه فضول به معنای زیادی است، با این تفاوت که فضل به طوری که گفته‌اند زیادی در مکارم و کارهای ستوده است و فضول، به معنای زیادی در ناستوده است. در این جمله، کلمه فضل آمده که از نظر اخلاقی سزاوار است، انسان در مجتمع حیاتش آن را به کار گیرد و افراد اجتماع در آن قلمرو با یکدیگر زندگی و معاشرت کنند و منظور این بوده که مردم را به سوی احسان و فضل به یکدیگر تشویق کند تا افراد به آسانی از حقوق خود صرف‌نظر کنند.» (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۲:

۳۶۹).

صلح دادن

صلح به معنای مصالحه کردن، صلح کردن، اصلاح کردن و آشتی دادن آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸: ۹۶). قرآن از مسلمانان می‌خواهد که در صورت نزاع بین عده‌ای از مسلمانان، میان آنان صلح و آشتی برقرار کنند:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا:

و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم درافتند، میان آنان را سازش دهید.» (حجرات، ۹)

در آیه دیگری نیز آمده است:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ:

پس از خداوند پروا کنید و بین خودتان آشتی کنید» (انفال، ۱)

در آموزه‌های قرآن، اصل در رابطه بین مسلمانان بر تسالم و صلح است. شیخ شلتوت در این زمینه می‌نویسد: «هدایت اسلامی ما را به سوی صلح و دوستی فرا می‌خواند» (شلتوت، ۱۳۹۹ق: ۹۳) رشید رضا نیز در یکی از آثار خود به این نظریه اعتقاد دارد: «صلح و دوستی بین‌المللی، اصلی است که باید مردم به آن پای‌بند باشند و به همین جهت، خداوند به ما فرمان داده است که آن را بر جنگ برگزینیم.» (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ۳۱۲)

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که در این مقاله به آنها پرداخته شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. قرآن کریم در آیات مختلف، مسلمانان را به همگرایی و اتحاد فرا می‌خواند.
۲. اختلاف، موجب سستی و تسلط دشمن بر امور مسلمین می‌گردد؛ چه این‌که امروز شاهد این مصیبت در بیشتر کشورهای اسلامی هستیم. امروز اختلافات قومی، مذهبی و سیاسی پیامدهای ناگواری را برای مسلمانان به ارمغان آورده است و کشورهای قدرتمند بیگانه، رونق اقتصادی خویش را در جنگ بین کشورهای اسلامی می‌دانند تا دلارهای باد آورده نفتی را به سوی سلاح‌های ویران‌گر هدایت کنند.
۳. قرآن و آموزه‌های دینی، مسلمانان را به اخوت و برادری دعوت می‌کنند که بالاترین ارتباط عاطفی بین انسان می‌تواند باشد و اگر این نوع رابطه، یعنی ارتباط برادری در میان مسلمانان نهادینه گردد، به طور قطع جهان اسلام از حالت فعلی خارج خواهد شد.

۴. قرآن به ما می آموزد که همگرایی در میان مسلمانان می تواند به عنوان یک راهبرد درازمدت مطرح گردد و هیچ چیز دیگر آن را نباید تحت تأثیر قرار دهد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بشیر الأزدی، أبو الحسن (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار إحياء التراث.
۳. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر (۱۴۲۰ق)، تفسیر القرآن العظیم، دار طيبة للنشر والتوزيع.
۴. ابن منظور (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. بیضاوی، ناصرالدین أبوسعید عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش)، ادب فنای مقربان، قم، اسراء.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۷۳ش)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم.
۹. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰م)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، قاهره، هیئة المصریة العامة للكتاب.
۱۰. سمعانی، أبوالمظفر (۱۴۱۸ق)، تفسیر القرآن، محقق یاسر بن إبراهیم و غنیم بن عباس، ریاض، دارالوطن.
۱۱. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر (بی تا)، الدر المنثور، بیروت: دارالفکر.
۱۲. شلتوت، محمود (۱۳۹۹ق)، من توجیہات الاسلام، بیروت، دارالشروق.
۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

١٤. طبري، محمد بن جرير (١٤٢٠ق)، جامع البيان في تأويل القرآن، محقق أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة.
١٥. فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر (١٤٢٠ق)، مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)، بيروت، دارالاحياء التراث العربي.
١٦. القزويني الرازي، أبو الحسين أحمد بن فارس (١٣٩٩ق)، معجم مقاييس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، بيروت، دارالفكر.
١٧. مصطفوي، سيدحسن (١٣٦٠ش)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
١٨. نسفي، أبو البركات عبدالله بن أحمد (١٤١٩ق)، تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل)، بيروت، دارالكلم الطيب.